

[www.shariaty.com](http://www.shariaty.com)

[www.mozaffarshariaty.com](http://www.mozaffarshariaty.com)

پایگاه علمی ، ادبی و فرهنگی مظفر شریعتی



کانال یوتیوب



کانال تلگرام



تویتر

به دلیل موقعیت ویژه ای که ایران دارد ، صنعت گردشگری در صورت مدیریت درست میتواند کشور را از هر گونه منبع درآمدی از فروش منابع تجدید ناپذیر بی نیاز سازد ، البته این امر وابستگی اجتناب ناپذیری با روابط و خط مشی سیاسی کشور و نیز زیر ساختهایی چون راهها و مخابرات دارد . مخابراتی که از محدوده ی شهر های بزرگ که خارج شوید معنی و مفهوم خود را بویژه در زمینه ی اینترنت از دست میدهد . اما به نظر من سه عامل فرهنگی بسیار مهم نیز در این امر دخالت دارد که به ترتیب اهمیت عبارتند از :

#### 1- فرهنگ رفت و آمد :

کشوری که مردمانش برای رفت و آمد و سفرهای بین شهری خود ، دو برابر زمان جنگ تلفات میدهند !! ( تعداد مسافران دو هواپیمای عظیم جامبو جت در هفته !! ) کشوری نخواهد بود که جهانگردان تمایلی به سفر به آن را داشته باشند . در همین سفر کوتاه من به جزیره ی هرمز یک جهانگرد در اثر برخورد با موتور سه چرخه ای که با سرعت عبور میکرد کشته شده بود !

#### 2- بزرگترین نیاز عمومی انسان بعد از غذا یعنی توالت ! و یا مودبانه تر ، دستویی و یا سرویس های بهداشتی :

که متاسفانه در مراکز شهر هایمان هم با آنها مشکل داریم چه رسد به خارج از شهرها . در صورتیکه اهالی معدود کشورهایی که مردمانش دستشان به دهانشان میرسد و شجاعت سفر به ایران را هم دارند در خانه و شهرشان ، دستشویی هایشان از تمیزترین و لوکس ترین محل های خانه یا شهرشان میباشد . از نظافت توالتهای عمومی و محلی خودمان که بگذریم وقتی در مطب پزشکی متخصص ارتوپدی در تهران هم یک صندلی پلاستیکی توالت فرنگی برای اغلب بیمارانش که قادر به استفاده از توالت ایرانی نیستند وجود ندارد چه انتظاری میتوان از مراکز ببین

راهی یا شهر های کوچک و روستا ها داشت . هنوز افراد بسیاری وجود دارند که اگرچه به دلیل برخورد با بیماران و یا سالمندان و یا حوادثی که موقتا برای خودشان رخ داده متوجه شده اند که توالف فرنگی یک امر زشت ، مکروه و یا حتی گناه نیست بلکه یک ضرورت اجتناب ناپذیر و حتی ضروری برای حفظ سلامت است ، اما استفاده ی از آن را هم بلد نیستند !

### 3- فرهنگ غریب گزی و خودی کشی ما ایرانیان ! :

متاسفانه ما ایرانیان قیمت کالاها و یا خدماتمان را بر مبنای ظاهر مشتری خود حساب میکنیم و وای اگر مشتری هم به جای تومان در جیبش دلار داشته باشد و یا رنگ چشم و مویش با ما فرق کند . حال آنکه خارجی ها ی اهل بازار و به قول همزبانان فرنگ زده ، اهل بیزینس ، ده تا درآمد یک تومانی را بهتر از یک عدد درآمد ده تومانی میدانند ، آنها اطلاعات مربوط به جنسشان را درست به مشتری میدهند ( حتی همین چینی های بنجل فروش به خریدار میگویند که هر جنسی را از بنجل ترین نوع تا مرغوب ترینش میتوانند به او تحویل دهند که البته ما ایرانیان خریدار بنجل ترینشان هستیم ! ) آری آنها اطلاعات درست اجناسشان را به مشتری خود میدهند و ما هنرمان این است که قورباغه را رنگ میکنیم و به جای فولکس میفروشیم ! و بر خلاف تصورمان همه ی اینها آب دهان هایی سر بالاست که حاصلش جز به زیان خودمان نیست . اگر در حال و هوای معدود کشورهای پیشرفته دقت کنیم میبینیم که این تغییر فرهنگ مردمشان بوده است که حال و روزشان را عوض کرده است . من و شمای ایرانی هم وطن به خوبی میدانیم که اگر به صورت اتفاقی قصد خرید کالایی از فروشنده ای داشته باشیم به قیافه مان نگاهی میکند و قیمت میدهد ! اگر چندین بار از کسی خرید کرده باشیم و به قول معروف مشتری اش شده باشیم پس از چند بار که جنسش را دست کم به قیمت معقولش به ما فروخت ، بعدی ها را چنان داغمان میکند که جبران همه ی الطاف گذشته اش را بکند چون حالا دیگر آشنا شده ایم و صدایمان را بلند نمیکنیم ! درست همانطور که اگر در وسیله ی نقلیه ای با راننده اش گرم صحبت خودمانی شویم به خاطر همین خودمانی شدن بقیه ی پولمان را البته با خنده پس نمیدهد ! و خارجی ها همه ی اینها را خوب میدانند و ضرر همه ی این رفتار در نهایت متوجه خود ما میشود .

### 1- مظفر شریعتی آذر 1397

[بازگشت به صفحه اصلی](#)

